

یمگان و وثائق تاریخی درباره ناصر خسرو

-۲-

وثیقه پنجم

این وثیقه - فرمان (ندرمحمدخان) امیر هشترخانست که در مورد عفو عواید دیوانی از زمین های موقوفه مزار ناصر خسرو صادر گردیده .

عنوان فرمان چنین است : «ابوالغازی ندرمحمد بهادرخان سورومش»
در خاتم که در حاشیه بالا - طرف راست - بشکل بیضی می باشد این کلمات نقش است:
ندر محمد بن جان محمد

در اطراف مهر این بیت شیخ شیراز از سعیدست :
غرض نقشبست کز ما یادماند
که هستی را نمی بینم بقائی

تاریخ وثیقه شهر صفر ۱۰۲۹

این وثیقه در کمال اختصار است و از آن همه القاب و عنوان ها که در وثایق گذشته در باره ناصر خسرو روا داشته بودند درین وثیقه صرف نظر شده جز اینقدر که کلمه (شاه) ۱ بر نام ناصر خسرو افزوده شده - عبارت نیز در کمال سادگی می باشد .

ندر محمدخان - که از یکطرف نسبش بسادات می رسد از امرای هشترخان می باشد که در بلخ امارت نموده و بعد از خلع در سال ۱۰۶۱ در راه خانه کعبه زادالله شرفها درسمنان چشم از جهان فرو بست و نعش او را در مدینه منوره علی صاحبها التحیه برده در کنار برادرش محمد مقیم خان دفن نمودند . بقول مؤلف تاریخ مقیم خانی (منشی یوسف شیرخانی) ندرمحمدخان در بلخ مدرسه باشکوهی آباد کرده بود - بلک وثیقه دیگر ندرمحمدخان نزد مجاوران آستانه امام صاحب در طخارستان می باشد تاریخ آن (۱۰۴۰) هجری قمری و هر دو وثیقه بیک خط و عنوان است . درین وثیقه است که شهر امام صاحب بنام قدیم آن (ارهنگ) خوانده شده . دو وثیقه نیز از میران متأخر بدخشان می باشد که مطالب گذشته در باب عفو مالیات و عواید دیوانی از اراضی موقوفه آرامگاه ناصر خسرو در آن تکرار گردیده درین هر دو وثیقه القاب ناصر خسرو (سیدالمجاهدین - مهر سپهر ولایت - اختر آسمان ولایت) ضبط شده .

۱ - کلمه شاه و پاچادر کشور ما احتراماً بسادات نیز اطلاق می شد و اکنون نیز کلمه پاچادر در این مورد اطلاق می گردد ، هم چنین شیوخ اسمعیلی که در افغانستان و مخصوصاً در دره های بدخشان و کیان قطن می باشند کلمه شاه گاه بر اول نام و گاه در آخر نامشان موجود است .

وثیقه آخرین از روی تاریخ

این وثیقه مختموم بمهر نایب حفیظ الله خان می باشد که بحکم اعلیحضرت پادشاه علم پرور افغانستان امیر شیرعلی خان مالیات دیوانی را از زمین های موقوفه مزار ناصر خسرو معاف نموده . اینک اصل وثیقه را درین جا نقل می کنیم :

غرض از تحریر و باعث از تسلیم آنکه جمهور و عموم متوطنین ، جمیع رعایا و برایا و عملداران و صاحبکاران اطلاع یافته بدانند که جماعه شیخان مزار فیض آثار حضرت سید شاه ناصر خسرو از قدیم الایام تا بدین هنگام در پایه آستان متبرکشان متولی بوده و می باشند بنا بران لطف بندگان اشرف اقدس همایون اعلی امیر گردون سریر امیر شیرعلی خان بهادر را شامل حال و کفیل احوال مشارالیهم شناخته بدستور قدیمه پادشاهان سلف از جمیع عملات و اخراجات و مالیات و حوالهجات و تکالیفات مرفوع القلم و خارج الجمع گردانیدیم باید که هیچ کدام از حاکمان و ضابطان بمجاوران دخل و تعلق نداشته و اگذار باشند که مجاوران مزار متبرکه آرام و آسوده بوده بدعا گوئی از دیاد عمر و دولت بندگان ذیشان ثریا مکان اشرف اقدس امجد و الاشاعل و مشغول باشند . تحریر یوم سه شنبه تخاقوئیل ۱۲۹۰ .

تعجب این جاست که در هیچ یک ازین اسناد که تقریباً حاوی بر طول مدت پنج صد سالست ناصر خسرو بصفت حجت خراسان و پیشوای مذهب اسمعیلی و مؤسس طریقه ناصریه و اباحتی و باطنی و قرمطی خوانده نشده بلکه او را به القاب برهان الاولیاء والاتقیاء و سالک سنن سید المرسلین خوانده و همه متفقاً او را از سلاله طاهره سادات شناخته اند . اکنون نیز متولیان مزار او که ساکنان دره یمگان می باشند او را پیرو مذهب اهل سنت می دانند و خود نیز حنفی را سخ الاعتقادند و مزار وی مورد احترام و تمجید مردم است .

چند کلمه در پیرامون آرامگاه ناصر خسرو و روایات محلی ،

آرامگاه ناصر خسرو در دره یمگان است و روستای که آرامگاه در آن واقع شده (حضرت سیدیا حضرت سعید) نامیده می شود . یمگان در منتهای دره (جرم) واقع می باشد . از بهارک بدخشان تا محل حکومت (جرم) تخمیناً ۱۴ میل و از آنجا تا روستای حضرت سید تخمیناً (۷۲) میل مسافت است . جاده عمومی از جرم تا حضرت سید قابل عبور عرایه شده . یمگان دره سرسبز و شادابست . و کوه های بلند آن آرد بهمان گرفته . جاده ، از کنار تربت ناصر خسرو گذشته بمعین لاجورد منتهی میشود . در کتب و وثایق باستانی دهانده نای جرم و کران یک جا نام برده میشد .^۱

کلمه یمگان را مردم محلی به فتح (ی) و سکون (م) و برخی به (ک) عربی و برخی به (گ) فارسی تلفظ میکنند .

خود ناصر خسرو و نیز در اشعار خود یمگان را به سکون (م) آورده است :

مرا مکان به خراسان زمین به یمگانست

کسی چرا طلبد در سفر خراسان را

۱ - ناصر خسرو از یمگان و جرم گوید :

من به یمگان به بیم و خواری ، بجرم ایمنند آنکه دزد و می خوارند

این جاست یمگان ترا دیستان
گنجیست خداوند را به یمگان
در بلخ مجویش نه در بخارا
سدسبار فسزوترز گنج دارا

آرامگاه ناصر خسرو پرفراز يك پشته که متشکل است از خاک چونه و تخمیناً سی متر ارتفاع دارد واقع گردیده . آرامگاه مرکب است از يك خانه چوب پوش و باغچه و مسجد و يك چله خانه ، سطح گنبد با عرض دیوارها تخمیناً (۷ × ۷) متر میباشد . دیوارها از همان گل چونه دار تعمیر شده ، ارتفاع سقف از (۳) متر تجاوز نمیکنند . دیوار مدخل عرض ترازسه دیوار دیگر است . قبر ناصر خسرو طرف آفتاب نشست داخل خانه است و دور آنرا با کناره چوبی با ارتفاع یکنیم متر احاطه کرده و روی آنرا با پارچه های مختلف پوشیده اند .

يك پنجره آهنین نیز در داخل بناست که قبر ناصر خسرو را از سایر قسمت ها جدا می کند . دو قبر طرف آفتاب برآمد قبر ناصر خسرو است که مردم آنرا خواهرزادگان یا از احفاد وی خوانند . هیچ يك از این قبرها لوح و کتیبه ندارد . سقف بنا از اندرون با چوب های تراشیده و راست پوشیده شده . در فواصل دستکها سورة فتح ، سورة یس ، سورة عم ، آیت الکرسی و چند سورة دیگر با دعای (نادعلی) و غیره بخط جلی نهایت زیبا با مرکب نگاشته شده . عبارات ذیل نیز در سقف در قسمت ماورای پنجره در کنار دستک نوشته شده است :

تجدید هذه الروضة المنورة وترتبة المقدسة حضرت شاه ناصر طاب ثراه باهتمام رفعت مآب
حاجی شاه خطاب بن المرحوم میر محترم بیگ یمگانی - سنه ۱۱۰۹
متأسفانه متولیان آرامگاه به کس اجازه نمیدهند که داخل کناره چوبی را که قبر در آنجاست بدقت تفحص یا تعمق کنند . عقیده خود آنها چنانست که از داخل کناره مدخلی بوده که باطی بیست و پنج پله زینه جانب فرود بحجره خاص منتهی می شد و پیکر شاه ناصر خسرو نیز در آنجاست .

در پایان پشته با ارتفاع اندک يك طاقچه کوچک از بیرون بنظر میرسد که در آن چراغ میگذاشتند . مجاوران میگویند در زمان حیات ناصر خسرو این طاقچه روزنی بود که در حجره خاص از آن نور و هوا داخل میگردد ولی اکنون آنرا مسدود کرده و چراغ می نهند .

آثار متروکه در داخل بنا

دو نسخه قرآن کریم در ۳ مجلد بر سر تربت حکیم است . آن نسخه که در دو جلد نوشته شده خط آن قدیمی کاغذ آن نیز بسیار مستعمل است . متولیان گویند جلد اول بخط ناصر خسرو و جلد دوم بخط مبرسیدعلی همدانی متوفی (۷۸۶) می باشد ولی این مسئله درخور تأمل و تدقیق است . نسخه دوم بخط بسیار متأخر است که از طرف (میرشاه نام بدخشی وقت

۱ - این عبارت را با عین ترکیب جناب سید محمد دهقان استنساخ نموده به بنده مرحمت کرده اند .

۲ - میرسید علی همدانی معروف به علی ثانی از کبار عرفای قرن هشتم هجریست در بلاد متعدد سیاحت نموده - بلخ - بدخشان - کابل - کشمیر را دیده سرانجام در عرض راد در کنر

گردیده، صندوق های محفظه قرآن کریم قدیمی و از چوب است و نقشهایی نیز دارد . يك كچكول فلزی نیز از قدیم بر گوشه دیوار آویخته شده است .
در جانب جنوب بنای آرامگاه يك حجره كوچك است که بر اساس رؤیت متولیان میر- سیدعلی همدانی دران اربعینات بسر برده . مسجدی نیز در بیرون آرامگاهست که مرحوم سردار عبدالله خان توخی که از سران ملی ودر وقت ضیاءالمللة والدين امیر عبدالرحمن خان مرحوم نایبالحکومه تخارستان و بدخشان بود آنرا تعمیر یا ترمیم کرده است . يك درخت پنجه چنار کهن سال نیز در آنجاست که مردم بآن اعتقاد دارند .

يك افسانه در باب بنای آرامگاه

مردم محل میگویند : یکی از سلاطین غزنه سپهسالار خود را فرستاد که پس از انتظام امور بدخشان تابوت ناصر خسرو را از یمکان به غزنه منتقل گرداند از آنجا که نعلش او را در یمکان - در حجره خاص به عمق ۲۵ زرع نهاده بودند مدخل آن مسدود و غیر قابل عبور بود . سپهسالار ازین کار عاجز آمد و ماجرا را به حضرت غزنه عرضه داشت . سلطان فرمان داد که دیگر به تابوت مزاحم نشوند و بنای آرامگاه او را در همانجا از سنگ لاجورد تعمیر کنند . سپهسالار باین کار اقدام کرد اما همین که دیوار لاجورد به سقف میرسید می غلتید تا آنکه شبی ناصر خسرو را بخواب دید و وی این رباعی را به سپهسالار خواند :

دانی که سوار کرده افلاکم بنشین بزمین و سر بنه بر خاکم
هر کس که مراد آب و گل نشناسد خاکش بر سر که پانهدی با کم
سپهسالار از هیبت آن خواب دست از آن کار باز داشت .

قبر برادر ناصر خسرو

در کنار غریبی دریای کشم طرف راست جاده عمومی که تخارستان را به فیض آباد (مرکز بدخشان) وصل می کند و از شهرهای تاریخی بغلان و قندوز تا لقان می گذرد در پای پشتهئی که از جانب غرب بر شهرک کشم ناظر است يك روستای كوچك (تکیه مشهد) نامیده می شود . در آنجا که نهر آبی می گذرد و چند درخت چنار کهن سال سایه گسترده مزارى بنام ابوسعید برادر ناصر خسرو مورد احترام و عقیدت مردم است. گویند ابوسعید بر فراز آن پشته کشته شده و در کنار نهر دفن گردیده و آن روستا را بنا بر شهادت وی مشهد نامیده اند. از مشهد ابوسعید تا آرامگاه ناصر خسرو بیش از صد میل فاصله است. قبر ابوسعید کتیبه ندارد از خنثیهای پخته مربع و قدیم که در آنجا بنظر می رسد معلوم است در سابق گنبد و بنای بوده که پسان ویران شده یا ویران کرده اند .

موازی تربت ابوسعید بر فراز پشته ، مدفن ضیاءالدین عالم و فقیه است که به

علاقه ننگرها را در سال ۷۸۶ وفات نموده، و بود بعد از چندی پیکر شریفش را از کتر بختلان برده اند و در کتر آنجا که پیکر وی بوده مزار ساخته اند. مولد سید جمال الدین افغان در کنار همان مزار است. کتاب ذخیره الملوك و اوراد فتحیه از اوست. شرح فارسی وی بر فصوص الحکم از بهترین کتب درین مورد شمرده می شود - اعداد تسمیه را تاریخ وفات او یافته اند . همچنین در جوار مزار ناصر خسرو سنگی است شبیه سنگ شاه مسعود که از آن تسبیح می سازند و آنرا میمون و متبرک دانند .

داملامیر کی جان) شهرت دارد و مردم آنرا از احفاد ابوسعید پندارند. و در این جا چشمه ایست که مردم آنرا چشمه شفا نامند و از آن در امراض جلدی استفاده کنند. کشم بروایات مردم آنجا در محل شهر سکلکنند قدیم واقع گردیده که جغرافیادانان باستان از آن نامبرده اند.

(روایت لیفتنت جان و درمورد آرامگاه ناصر خسرو)

لیفتنت جان و دانکیس در حدود صد و اندسال قبل سفری به بدخشان نموده و در کتاب خود بنام (سفری به سرچشمه اکسوس از راه دریای اندوس. کابل - بدخشان) ۱ از مزار ناصر خسرو ذکر کرده که نقل آن درین جا خالی از فایده نیست او می نگارد: از جانب راست دریای کوکچه از چند گردنه عبور نمودیم. زیارت شاه ناصر خسرو اولین محل مسکون بود که در آن روز رو بروی ما واقع گردید چیزی فرودتر از مزار تپه خورد بود که همه از معدن آهن تشکیل شده بود و معلوم است بسیار قدیم، مردم آنرا می شناختند. البته ترتیب ذوب آن در مدت دراز به آهستگی بعمل آمده شکاف های متعدد دلالت بر استخراج آن میکرد. بعضی شکاف ها به عرض ۶ گز و عمق ۸ گز دیده می شد. مردم می گفتند شاه ناصر از کعبه درین جا آمده و وفات یافته است.

لیفتنت جان و دیک بیت نیز از زبان مجاوران بقعه شنیده که سال تولد ناصر خسرو از آن برمی آید و آن را باین آهنگ ضبط کرده:

بگذشت ز هجرت به سه صدنود و چار بگرفت مرا مادر گیتی به کنار

و در مورد تاریخ بنای بقعه این بیت را از مردم شنیده و در کتاب خود بیاورده:

گفتا که بگیر دامن صدق همراه به آن گل بدخشان

بحساب جمل از بیت مذکور (۱۱۰۷) برمی آید و چنانچه نگاشتم سال تعمیر (۱۱۰۹) می باشد شاید عمارت در دو سال تمام شده باشد. ۱۱۰۷ سال آغاز و ۱۱۰۹ سال انجام آن باشد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی